

ما می‌گوییم:

۱. ما حصل فرمایش مرحوم خوبی آن است که:

مورد اگرچه نمی‌تواند مخصص آیه باشد ولی آیه را نمی‌توان به گونه‌ای معنی کرد که شامل مورد نشود. و چون مورد مسائل اعتقادی است پس آنچه به آن امر شده است «سوال برای تعبد به جواب» نیست (چرا که در مورد مسائل اعتقادی نمی‌توان سوال کرد تا هرچه گفته شد را بپذیریم) بلکه باید آیه را ناظر به «سوال برای کسب علم» دانست.

۲. درباره آیه شریفه می‌توان گفت:

۱- وجوب سوال در آیه مطلق است. یعنی آیه می‌گوید «هرجا علم ندارید سوال کنید مطلقاً»

۲- اما اینکه «سوال کنید» عرفاً نمی‌تواند واجب نفسی باشد بلکه ظهور عرفی کلام در آن است که: «سوال کنید برای اینکه به چیز دیگر برسید»

۳- اما درباره اینکه آن چیز دیگر چیست، دو احتمال موجود است:

یک) سوال کنید که علم پیدا کنید.

دو) سوال کنید که تعبداً به جواب عمل کنید.

۴- حال: می‌توانیم بگوییم: وجوب سوال مطلق است و لذا می‌توان گفت «آیه می‌گوید سوال کنید، چه برای اینکه علم پیدا کنید و چه برای اینکه تعبد داشته باشید.

ان قلت: این اطلاق‌گیری، چون نسبت به «غایت» است، صحیح نمی‌باشد، چرا که «غایت‌ها» حالات متعدد سوال نیستند، تا اطلاق لفظ آنها را در بر بگیرد.

قلت: اگرچه غایات حالات متعدد سوال نیستند (و لذا نمی‌توان از اطلاق سوال، غایات متعدد را ثابت کرد) ولی غایات مختلف حالات مختلف «امر به سوال» هستند (یعنی شارع گفته است وجوب سوال مطلق است، چه در جایی که منجر به علم شود و چه در جایی که منجر به علم نشود)

۵- حال: مورد آیه شریفه به سبب قرینه خارجی صورتی است که سوال باید منجر به علم شود ولی کلیت جواب، به عنوان قاعده به قوت خود باقی است.

۶- پس امکان اطلاق‌گیری از آیه محفوظ است و مورد نمی‌تواند مخصص و مقید آیه باشد.

۷- ان قلت: آنچه در آیه شریفه واجب شده است، سوال از «اهل ذکر» است. و اهل یعنی «جمعی از افراد» و سوال از جمع عادتاً باعث علم می‌شود، و اصلاً تقلید سوال از جمع نیست.<sup>۱</sup>



۱. مفاتیح الاصول، ص ۵۹۴



۸- قلت: «اهل» اگرچه به معنای جماعت است ولی وقتی به تعدادی گفته می‌شود از جمعی سوال کنند، به معنای آن نیست که هر نفر از همه آن جماعت سوال کند، بلکه هر نفر از یکی از آن جمع سوال کند هم می‌توان اطلاق «سوال از اهل ذکر» را بر معنای حقیقی‌اش بار کرد.

۹- ما حصل آنچه گفتیم چنین است:

یک) وجوب سوال، مشروط است (اگر علم ندارید، واجب است سوال کنید)

دو) وجوب سوال، مقدمی و غیری است (برای وصول به علم یا به تعبد)

سه) آیه دارای ۳ اطلاق است:

الف) اهل ذکر مطلق هستند و مورد (اینکه در آن زمان مراد از اهل ذکر یهود و نصارا بوده‌اند) مقید اطلاق نیست.

ب) سوال مطلق است و مورد (اینکه در آن زمان به صورت شفاهی بوده است) مقید اطلاق نیست.

ج) وجوب سوال مطلق است و مورد (اینکه در مورد آیه وجوب سوال، وجوب مقدمی است برای یک علم) مقید اطلاق نیست.

۱۰- ان قلت: «وجوب مقدمی»، وجوب ترشیحی است و نمی‌توان از دو واجب نفسی یک وجوب مقدمی را استفاده کرد.

قلت: چنین امری ثبوتاً ممکن نیست، یعنی هر واجب نفسی، مطابق ملاک خود، مقدمه خود را واجب می‌کند ولی از نظر اثباتی می‌توان به یک مقدمه (در حالیکه برای دو شیء مختلف مقدمه است) به صورت مطلق امر کرد.

مثلاً: می‌توان به صورت مطلق گفت «وضو واجب است»، در حالیکه گاهی برای نماز واجب است و گاهی برای ورود به مسجد و گاهی برای مس قرآن.

۱۱- اللهم ان یقال:

وجوب سوال در آیه شریفه اصلاً مطلق نیست، چرا که آیه در صدد آن است که بگوید مسئله مورد نظر (اینکه پیامبران همه مردمان عادی بوده‌اند)، به قدری از بداهت برخوردار است که اگر مشرکین مراجعه کنید به اهل ذکر (اهل تاریخ)، به راحتی علم پیدا می‌کنند.

به عبارت دیگر: آیه در صدد اثبات وجوب سوال نیست بلکه در صدد بیان بداهت موضوع است و لذا نمی‌توان از آیه اطلاق گیری کرد.